

# کتاب نگارش

صفحه ۸۳ و ۸۴



قق

قرآن

اتاق

قاشق

بُشقاب

قوری

اسم هر تصویر را بنویس.



\_\_\_\_\_



\_\_\_\_\_



\_\_\_\_\_



\_\_\_\_\_

بخش دوم هر کلمه را بنویس.



قو + \_\_\_\_\_ = \_\_\_\_\_

فنا + \_\_\_\_\_ = \_\_\_\_\_



اسم هر تصویر را بنویس.



قوری



قندان



قایق



قرآن

بخش دوم هر کلمه را بنویس.



قوری

=

ری

+ قو

قندان

=

دان

+ قن

روزت به خیر!

# درس ۱۲

از روی درس «همکاری» بنویس.



---

---

---

---

---

---

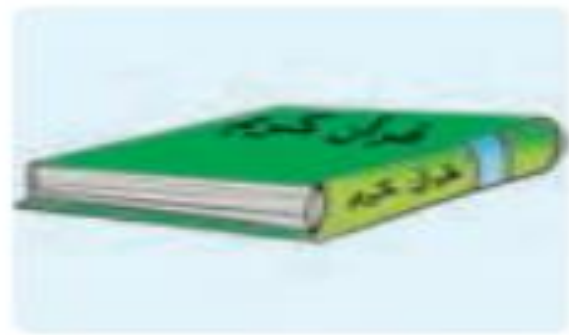
---

---

کامل کن.



مادر بزرگ \_\_\_\_\_ در دست دارد.



پدر \_\_\_\_\_ سواری می‌کند.



اسم دو جانور را بنویس که در آن، یکی از نشانه‌های «ق» باشد.



کامل کن.



مادر بزرگ قرآن در دست دارد.



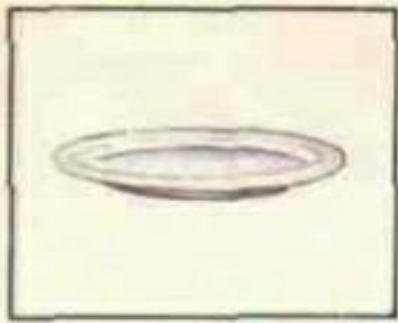
پدر قایق سواری می کند.



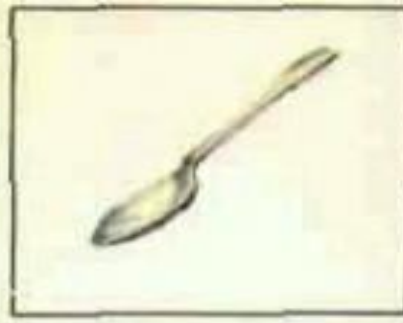
اسم دو جانور را بنویس که در آن، یکی از نشانه های «ق» باشد.



فرقی ، قناری



بُشَقَاب



قَاشِق

امین واکرم به مادر خود کیک می کنند.  
اکرم سفره را به اُتاق می آورد.  
امین بُشَقَاب و قَاشِق را به اُتاق  
می آورد.



ق ق



## روان خوانی نشانه‌ی ق ق

قوری قرآن قزوین قندان قرمز آقا

أتاق فندُق قاسِم قاری قیَمه قناری

پدر بزرگم در قزوین زندگی می‌کند.

او قاری قرآن است.

من و مادرم برای دیدن او به قزوین رفیتم.

مادرم از بازار یک قوری و کُسی فندُق خرید.

او برای شام قیَمه دُرُست کرد.

من سُفره، بُشقاب و قاشُق را آماده کرده بودم.

تَقْوِيمِ زِيَا - مَرِدِقْوَى - مَرْدُمِ فَقِيرِ -  
سَقْفِ اُتَاقِ - قُدْرَتِ زِيَادِ - قُرْآنِ كِتَابِ  
اَسْمَانِي - وَرَقِ سِفِيدِ - مَشَقِ شَبِ -  
قْوَى زِيَا - مُرَاقِبَتِ اَز كُودَكَانِ - سَاقَه ي  
دِرَخْتِ - مُسَابَقَه ي اَسْبِ سَوَارِي .

پدر به او گفت : پسرم وَ قَتی پرنده  
خوب شد باید آن را آزاد کنی . ما نَباید  
پَرندگان را در قفس اَسیر کنیم .  
قرار شد وقتی پَرنده خوب شد به کنارِ  
رود خانه برویم و آن را در میان  
درختان آزاد کنیم . ما نیز در رود خانه  
قایق سواری کنیم . آن شب من و مادرم  
سُفره را انداختیم . من قاشق و بُشقاب  
را آوردم و در سُفره قرار دادم .

# پایان یافت

